



پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه

ترجمان استراتژیک خاورمیانه

کار بست «گفتارها» ی ماکیاوولی در مورد جنگ (امریکا) در عراق و افغانستان

سخن پژوهشکده

سیر سریع تحولات در منطقه غرب آسیا به مرزی رسیده است که هر محقق حرفه ای را جا می گذارد، اما اشتباه نباید کرد! نباید تسلیم سرعت و تغییر شد. چرا که دقت و اقدام سنجیده، مستلزم زمان و غور عمیق و مباحثه مستدل است و اینها میسر نمی شوند مگر با فهم دقیق متون و تصمیم آگاهانه با برآورد نتایج هر اقدام. بر این اساس، مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه و بازوی فکری آن یعنی پژوهشکده بر آن شدند تا برخی متون مهم و دوران ساز و فوری را به مترجمان کاربرد و متخصص بسپارند و این متون در کنار انتشار مجازی، نسخه چاپی هم داشته باشند.

انتظار این است که مجموعه ترجمان استراتژیک خاورمیانه بتواند ضمن تولید ادبیات شایسته و مرتبط، راهی یا الگویی باشد برای نگارش، گزارش و پایش رخدادهایی که مورد نیاز و اطلاع دانشوران و سیاستگذاران می تواند بود. پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه در فصل نوین فعالیت های خود، در نظر دارد با گزینش و سفارش این قسم متن های اساسی به شناخت و توسعه منافع ملی یاری برساند و یاور تصمیم سازان و اصحاب آکادمی باشد تا به جای دوییدن در پی حوادث، مدبرانه و دوراندیشانه بیندیشند. همین جا فرصت را مغتنم شمرده از جمیع پژوهشگران مسایل جدید خاورمیانه دعوت می کنیم متن های تازه، معتبر و متمایز و مانا را انتخاب و جهت انتشار در قالب ترجمان استراتژیک خاورمیانه، پیشنهاد نمایند. به امید سرفرازی میهن اسلامی مان، ایران، با یاری حضرت یزدان و رهنمایی استادان حرفه ای و کاربرد.

گفتنی است نظر مطروحه در این اسناد به هیچ وجه نظر مرکز پژوهشهای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه نیست و نشر آن به منزله تأیید محتوا نمی باشد. مقصود اصلی، اطلاع از نحوه نگاه و نقشه راه دیگری است که در مورد ایران اندیشه و کار می کنند.

پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه

نویسنده: ساویتزاسکات
مترجم: قدیرنصری

پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه

آدرس: تهران، بلوار کشاورز، خیابان شهید نادری، نرسیده به خیابان ایتالیا، پلاک ۸
تلفن: ۰۹۰-۸۸۹۷۲۱۸۷ ایمیل: info@cmess.ir



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه



ترجمان استراتژیک خاورمیانه

کار بست «گفتارها» ی ماکیاو للی در مورد جنگ (امریکا) در عراق و افغانستان

شناسنامه اثر:

نویسنده : ساویتز اسکات

مترجم : قدیر نصری

ویراستار ادبی : سحر تقی پور

صفحه آرایی و طراح جلد : علی رودگر صفاری

شماره سند : ۱/۵۰۴

تاریخ انتشار : سی ام مرداد ۱۴۰۰

منبع:

Source: Savitz, Scatt, "Applying Machiavellian Discourses to the wars in Afghanistan and Iraq", Available at : <https://www.rand.org/blog/2021/08/>

کاربست «گفتارها» ی ماکیاوللی در مورد جنگ (امریکا) در عراق و افغانستان^۱

نویسنده: اسکات ساویز (کارشناس ارشد امور فنی در موسسه رند ایالات متحده)

مترجم: قدیر نصری (عضو هیأت علمی در دانشگاه خوارزمی و رییس پژوهشکده)

توضیح

نیکولو ماکیاوللی در سال ۱۴۶۹ میلادی در فلورانس متولد و در ۵۸ سال یعنی در سال ۱۵۲۷ چشم از جهان فروبست. به معنای فنی کلمه، او نخستین نظریه پرداز سیاست در دوران «جدید» است. ماکیاوللی را به این دلیل مهم، فیلسوف سیاسی جدید می خوانند که او نخستین کسی است که قوانین سیاست را میرا از قواعد اخلاق و احکام شریعت و دین دیده، سیاست ورزی و حکمرانی را فقط بر اساس محاسبه این جهانی و در محدوده وطن یا کشور توضیح داده است. ماکیاوللی را در ایران بیشتر با کتاب معروفش شه‌ریار یا *The Prince* می شناسند در حالی که کتاب دومش یعنی گفتارها یا *The Discourses* (چاپ هر دو در سال ۱۵۳۲ یعنی پنج سال بعد از مرگ وی) به مراتب مهمتر است. اصلی ترین دلیل این اهمیت، نگارش کتاب گفتارها در دوران پختگی او است. ماکیاوللی در اهداییه گفتارها به دو تن از دوستانش تصریح می نماید که «همه آنچه در طی سالیان دراز آموخته ام و از راه تجربه و مطالعه مداوم تاریخ اندوخته ام در این نوشته فراهم آورده ام».

نویسنده مطلب حاضر یعنی اسکات ساویتز (*Scatt Savitz*) از کارشناسان ارشد و زبده در موسسه رند امریکا است که اخیراً و با ملاحظه عقب نشینی امریکا از افغانستان و برآمدن طالبان در این کشور، به طرح یک پرسش پرداخته است: اگر الان ماکیاوللی زنده بود چه توصیه ای به امریکا می کرد؟ یا اگر بخواهیم مسایل افغانستان و عراق را بر اساس کتاب ماکیاوللی فهم و درمان کنیم این کتاب چه راهی برای اجتناب از تکرار چنین بحرانهایی دارد؟ این قسم نگارش مقاله در فرهنگ نوشتاری غرب مرسوم است. در سال ۱۳۸۶ نیز مقاله ای از جان میرشایمر منتشر شد با این مضمون که اگر اکنون (سال ۲۰۰۵) هانس جی. مورگنتا زنده بود در مورد کار بوش در حمله به عراق چه نظری می داد؟ (*John, Mearsheimer, Open Democracy, April 2005*) اهمیت این قبیل مطالب،

1. Source: Savitz, Scatt, "Applying Machiavellian Discourses to the wars in Afghanistan and Iraq", Available at: <https://www.rand.org/blog/2021/08/>

یکی در وجه کاربردی نظریه در عمل است که به رغم مغرب زمین، متأسفانه در کشور ما غریب است. دومین دلیل اهمیت این مبحث، تجارب و بصیرت های ویژه نویسنده متن است که به دور از حواشی، نکته می گوید و پرسش موثر مطرح می کند. اصل مطلب وی به قرار زیر است:

بیست سال پس از جنگ بی حاصل در عراق و افغانستان، اینک وقت آن است تا درس های حاصله از این دو کشمکش را استخراج و از تکرار آن اشتباهات در آینده اجتناب کنیم. نیکولو ماکیاوولی، که طی پانصد سال اخیر درک و شناختش در باب مملکتداری مورد استناد و توضیح دهنده بوده است، برای تحلیل درسهای حاصله از دو جنگ امریکا در عراق و افغانستان، منبع و رهنمای ارزشمندی است. جهانیان ماکیاوولی را به غلط متفکری بدجنس و بداندیش می شناسند در حالی که آثار او حاوی نکته های مهمی است که به ما می گوید تامل در باب حوادث تاریخی چگونه می تواند پاسخی به مسأله های کنونی ما ارایه کند. معروف ترین اثر ماکیاوولی کتاب مختصر او یعنی شهریار است اما توضیحات و باریک بینی های ماکیاوولی در باب مسایل نظامی و سیاسی نه در کتاب معروف و مختصر او (شهریار) که در متاب دیگرش یعنی گفتارها است. او در کتاب اخیرش یعنی گفتارها، با ارجاع مکرر به آثار تیتوس لی ویوس (متولد ۵۹ ق.م و وفات در سال ۱۷ م) در خصوص وقایع تاریخی روم و دیگر منابع قدیمی، توصیه های سیاسی هوشمندانه ای طرح نموده است. امروز می توان بسیاری از توصیه های ماکیاوولی را در مورد جنگ عراق و افغانستان به کار بست و توجه به توصیه های دقیق و متاملانه او می تواند روش اتخاذ شده از سوی سیاستمداران امریکایی را بهبود بخشد. توصیه های او در خصوص دو جنگ بی حاصل اخیر امریکا در عراق و افغانستان عبارتند از: یک. اعتماد به مشاوره و داوری تبعیدی ها، خطرناک است!

به عقیده ماکیاوولی، باور کردن وعده و وعید کسانی که از کشور خود رانده یا تبعید شده اند، زیان بار است. تبعیدشده هایی که وعده همکاری به یک کشور خارجی می دهند و از کشور خارجی درخواست می کنند تا به وطن شان حمله کند، بیش از آن که به مصالح کشور مهاجم فکر کنند در اندیشه برنامه بازگشت خود به موطن خودشان هستند. آنها وقتی اطلاعات کشور خود را به نیروهای مهاجم می دهند به گونه ای فضا را ترسیم می کنند که نتیجه کار، سرنگونی نظام تبعیدکننده آنها و بازگشت تبعیدی ها به کشور شان باشد. دولت جرج واکر بوش در سال ۲۰۰۱ و پیش از حمله به عراق چنین اشتباهی را مرتکب شد. او به احمد چلبی، رهبر کنگره ملی عراق، اعتماد کرد. قرار بود چلبی یک خبررسان برای امریکا بوده، امریکاییها را راهنمایی کند تا به مقصد برسند. تبعیدی های عراق، از جمله تشکیلات سیاسی احمد چلبی، در مورد برنامه های صدام در زمینه سلاحهای کشتار جمعی و نیز ارتباط او با تروریستها دروغهایی را تحویل امریکاییها دادند و گفتند که عراقیها،

هر نیروی مهاجم به عراق تحت حکومت صدام را نه متجاوز که یک نیروی آزادیبخش تلقی و آن را مورد استقبال قرار خواهند داد. این نقشه تبعیدیها، تا حدی کارگر شد برای این که دولت بوش بر آن شد برآوردهای تبعیدی های عراقی را باور و در باب چند و چون این برآوردها سوالی نکرد و این اهمال سبب شد دولت بوش یک تجاوز بی ثمر و بدفرجامی را علیه عراق آغاز و توجیه نماید.

دو. در جنگ، نیروی کافی بسیج کنید و جنگ را در زمانی کوتاه به پایان برسانید.

ماکیاوللی در فرازی دیگر از کتاب گفتارها به رهبران / فرماندهان هشدار می دهد که در مواقع خطرناک و پرمخاطره، نیروی کافی و نه مختصر را به کار بگیرید. به زعم او، به کارگیری نیروی انبوه و کاربرد و آموزش دیده می تواند از طولانی شدن جنگ جلوگیری نموده، آن را در مدت زمان کوتاهی به نتیجه برساند. بر این اساس، ممکن است شکست امریکا در افغانستان و عراق معلول طولانی شدن جنگ و یا استفاده از نیروی ناکافی در مواقع خطیر باشد. در جنگ امریکا علیه عراق در سال ۲۰۰۱، اریک شینسکی، رییس ستاد مشترک ارتش، نیروی زیادی درخواست نمود. کالین پاول هم خواهان نیروی کافی و تمام کننده بود اما به رغم درخواست این دو نیروی ناکافی به عراق گسیل شد و جنگ در هنگام مناسب خودش به نتیجه نرسید. بعد از عملیات یازده سپتامبر، حمله به افغانستان هم حمله ای بود اجتناب ناپذیر ولی با نیروی ناکافی. تعداد نیرویی که امریکا در افغانستان به کار گرفت در مقایسه با وسعت منطقه عملیات و نیز در قیاس با تعداد جمعیتی که قرار بود مورد محافظت این کشور قرار گیرد، قلیل بود. حتی در مواقعی که امریکا در دو جبهه عراق و افغانستان دست بالا را داشت تعداد نیروهای امریکایی با تعداد جمعیتی که قرار بود تحت حمایت و محافظت امریکا قرار گیرد، تناسبی نداشت یعنی کم بود برای این که به ازای هر ۲۰۰ عراقی و در مقابل هر ۳۰۰ افغان، امریکا فقط یک نفر نیرو اعزام کرده بود و همین قلت نیرو سبب تطویل جنگ و در نتیجه شکست امریکا شد. این تعداد نیرو قادر به جلوگیری از وقوع ناآرامی و شورش نبود حتی اگر نیروهای متحد امریکا را نیز لحاظ بکنیم.

سه. تأسیس دولتی آزاد و قوی در منطقه ای که سالهای مدیدی گرفتار فساد بوده، بسیار دشوار است. ماکیاوللی باز هم در کتاب گفتارها، دشواریهای تأسیس دولتی آزاد در جایی که برای مدتی طولانی گرفتار فساد بوده است را توضیح داده است. او یادآور می شود که برای ریشه کنی فرهنگ فسادپرور، دولتی قوی و نیرومند لازم است. او مخصوصاً توصیه می کند که هنگام تأسیس دولتی جدید به جای دولت ضعیف قبلی، لازم است تعدادی از کارشناسان دولت قبلی را حفظ کنید تا اصلاحات در شرف انجام تنوع و طراوتی داشته باشد. طبق این توصیه ماکیاوللی، امریکا با انحلال سریع نهادهای دولت بعثی در فردای سرنگونی صدام دچار اشتباه شدند چون این کار امریکاییها باعث شد کسانی که کسب و

کار و درآمد خود را از دست داده بودند خشمناک شده، علیه امریکا به پا خاستند. ضمن این که امریکا برنامه تفصیلی امریکا برای تأسیس دولتی جدید در عراق، بسیار فراتر از آنی بود که عراقیها نیاز داشتند. چهار فرماندهان میدانی در کنار اطلاعات دقیق نظامی - جغرافیایی، باید مجهز به آگاهی های تاریخی و اجتماعی نیز باشند.

اکیاواللی مانند سون تزو به فرماندهان توصیه می کند که علاوه بر اشراف بر ویژگیهای جغرافیایی منطقه عملیات، باید در خصوص شرایط اثربخشی عملیات هم آگاهی داشته باشند. وقتی که امریکاییها در سال ۲۰۰۱ اعلام کردند که پیروز میدان افغانستان هستند به احتمال بسیار زیاد، در خصوص موقعیت طبیعی و جغرافیای نظامی افغانستان اطلاعات کافی نداشتند. آنهایی که به تاریخ طولانی افغانستان اشراف کافی نداشتند خیال کردند که فاتح این کشور هستند غافل از این که همین ظفرمندان، خود مقهور جغرافیای خاص انسانی و نظامی و طبیعی این کشور شده اند. همین کوههای صعب العبور و خشن و همین قبایل پراکنده افغان بودند که نیروهای اسکندر، بریتانیا، شوروی، امریکا و متحدانش را زمینگیر کردند. عراق نیز وضع مشابهی داشت. ممکن است فرماندهان و رهبران مهاجم به عراق خیال کنند که پیچیدگی اصلی عراق این است که این کشور از حیث جمعیتی متنوع است و سه گروه عرب شیعه، عرب سنی و کردهای سنی، عراق را بین خود تقسیم نموده اند. این فقط بخشی از ماجراست چون این تلقی کاریکاتوری از عراق، پیچیدگی های دیگری مانند تنوع های قبیله ای، کارکردی و ایدئولوژیک در داخل همین بافت متنوع قومی - مذهبی را نادیده گرفته، آسیب پذیرها و نقاط ضعف و قوت اقلیت های پرشمار این کشور را مورد توجه قرار نمی دهد.

ایالات متحده اولین کشوری نیست که در عراق و افغانستان با این مسایل گونه گونه (چهارگانه) مواجه شده است. کتاب گفتارهای ماکیاوولی مملو از نمونه های تاریخی چنین مواردی است که طی آن قدرتهایی، از دوران باستان تا رنسانس، دچار اشتباهات اساسی شده اند. ماکیاوولی، با شیوه تحلیل ماجراهای تاریخی و نیز با استخراج درسها و پندهای مرتبط به مملکتداری و جنگ، در قرن بیست و یکم نیز رهنمای ما می تواند بود. اگر امریکا از ماجرای عراق و افغانستان عبرت بگیرد احتمالاً کمک می کند به این که بدانیم هر یک از این جنگهایی که مدام در تاریخ تکرار می شوند زمینه مند هستند و قواعد و مشخصه های ویژه خود را دارند. توجه به آموزه های ماکیاوولی و دیگر متفکرانی که در باره تاریخ مطالعات عینی داشته اند احتمالاً کمک کند به این که قدرتهایی چون امریکا از تجارب و وقایع درس گرفته، از تکرار فجایع دیگر و بیشتر اجتناب کنند.